

از خاک تا جلال

عهد جدید، درس ۵- تعمید و وسوسه‌ی عیسی

ما گفتیم اناجیل اطلاعات کمی درباره‌ی سال‌های اولیه‌ی زندگی عیسی به ما میدن. درباره‌ی نوزادی او می‌شنویم، او رو در دوازده سالگی در معبد می‌بینیم، و دفعه‌ی بعد که عیسی رو می‌بینیم، زمانی هست که به رود اردن میاد تا توسط یحیی تعمید بگیره، و او سی ساله هست.

حالا کتاب مقدس به ما میگه او به عنوان فرزند یوسف و مریم بزرگ شد و احتمالاً در محیط نجاری بزرگ شد. این می‌تونه برای ما کمی گمراه کننده باشه. شگفت‌انگیزه که وقتی به تعلیم عیسی نگاه می‌کنیم، مثلاً در مَثَل‌هایی که تعلیم میده، دائماً مطالبش رو از الگوهای معمولی زندگی زمان خودش می‌گیره، اشارات خیلی زیادی به کشاورزی شده.

اما مرجع شماره یک تعلیم عیسی به تصاویری که از جامعه‌ی زمانش به تصویر کشیده، در زمینه‌ی سنگ‌کاری هست، و این می‌تونه کمی برای ما تعجب آور باشه، چون ما عیسی رو به عنوان کسی که در کار ساختمان سازی هست، در نظر نمی‌گیریم، بلکه او رو نجار می‌دونیم.

اما مسأله‌ی اینه. نجار در اون زمان، صرفاً کابینت ساز یا کسی نبود که با چوب کار کنه، بلکه عمدتاً یک سازنده بود، و این تکلیف نسبتاً دشواری بود، که باید درخت‌ها توسط نجار بُریده می‌شد و به صورت الوار آماده می‌شد و سنگ‌های بزرگ برای بنا بکار می‌رفت و غیره.

و اون زمان، تجهیزات پیشرفته نبود که مثل ابزارهای امروزی، کارمون رو کم کنه. پس فرض مورخان اینه که عیسی با حضور در این محیط، در اوایل جوانی، آدم نسبتاً قوی و محکمی بود، که احتمالاً در نتیجه‌ی حرفه‌ای که در اون تعلیم یافته بود، خیلی قوی و عضلانی بود.

حُب، به هر حال، بخشی از اهمیت تعمید عیسی رو دیدیم که عیسی اومد و کنار رود اردن، خودش رو به یحیی معرفی کرد و یحیی با تعمید دادن عیسی مخالفت کرد و می‌خواست عیسی او رو تعمید بده. و یادمونه که عیسی گفت: "نه، یحیی، الان این کار رو انجام بده."

این ضروریه، چون باید تمام عدالت رو بجا بیارم. "و این اهمیت تعمیدی هست که عیسی مشتاقانه و داوطلبانه در برابر هر بُعد شریعت خدا تسلیم میشه. اما عنصر مهم دیگه‌ای هم هست که باید در رابطه با تعمید او درک کنیم، چون در مورد تعمید او گفته شده که روح القدس از آسمان به شکل کبوتر بر مسیح نازل شد. این انتصاب اوست؛ این تأیید الهی برای خدمت مسیحایی اوست. این زمانی هست که روح خداوند بر او قرار می‌گیره تا او رو مسح شده‌ی خدا یا "کریستوس" خدا بکنه، چون عنوان "مسیح"، یعنی "مسح شده". پس حالا عیسی برای خدمت، مسح شده و توسط خدا منصوب و جدا شده تا کاری رو شروع کنه که از اول برای این کار به دنیا فرستاده شده بود.

حالا اصل دیگه در گزارش تعمید که مهم هست، اینه که به ما گفته شده در این موقعیت، خدا با صدای رسا از آسمان صحبت کرد. سه مرتبه در عهد جدید، گزارش صدای رسای خدا رو داریم و در هر یک از این موارد، اساساً پیغام یکی هست؛ یک اعلان از آسمانه که عیسی رو به عنوان پسرش اعلام می‌کنه.

پس در گزارش می‌خونیم وقتی کبوتر بر عیسی نازل شد و صدا از آسمان اومد، صدا این رو اعلام کرد: "این است پسر- حبیب من که از او خشنودم." و بعد کتاب مقدس به ما میگه بلافاصله بعد از تعمید او، همون روحی که او رو مسح کرد، همون روحی که بر او نازل شد، او رو به بیابان سوق میده یا پیش می‌بره که چهل روز توسط شیطان وسوسه بشه. و در ادامه‌ی گزارش انجیل، داستان وسوسه‌ی مسیح هست.

حالا یادتونه که در آغاز مجموعه‌ی "از خاک تا جلال"، دوران آزمایشی آدم و حوا رو در نظر گرفتیم که اونها در عدن بودند و اینکه چطوری مورد حمله‌ی مار قرار گرفتند. و مار بر اونها چیره شد و اونها رو در گناه انداخت. حالا یکی از مهم‌ترین نمونه‌های عهدجدید در رابطه با عیسی، اینه که عیسی در خدمت مسیحایی‌اش باید مسئولیت‌های زیادی رو انجام می‌داد که یکی از اونها تحقق نقش آدم دوم یا آدم جدید بود، نماینده‌ی انسانیت جدید و دستیابی به پیروزی، در جایکه آدم اول با شکست مواجه شد.

پس عیسی از جانب قومش به محل وسوسه کشیده شد و در معرض این آزمایش شدید قرار گرفت. این مثل آزمون سخت آتشفشان که باید از اون عبور کنه تا واجد شرایط بشه که در ملاعام خدمتش رو انجام بده. پس اولین مأموریتش، یک مأموریت عمومی نیست، بلکه مأموریت خصوصی هست که در عرصه‌ی متروک بیابان یهودیه انجام شد.

و اگه کسی از بین شما این فرصت رو داشته که به سرزمین مقدس بره، شک دارم که بتونید تأثیر بصری بیابان یهودیه رو فراموش کنید، جایکه تنها حیات وحش بومی شامل خرگوش‌های وحشی، مار، عقرب و تعدادی پرنده هست. فقط همین؛ این یکی از ترسناک‌ترین و متروک‌ترین بخش‌های زمین در این سیاره هست. روح خدا، عیسی رو به این محیط هدایت کرد که تنها باشه.

حالا من بارها درباره‌ی تشابهات و اختلافات موجود بین وسوسه‌ی آدم و وسوسه‌ی عیسی صحبت کردم. محیطی رو که آدم و حوا در اون وسوسه شدند، به یاد دارید.

مکان یا محیطی که مار به اونها حمله کرد، در باغ عدن زیبا و سرسبز بود. اونها در حین تجربه‌ی این امتیازی که آزادانه از همه‌ی میوه‌های درختان باغ بخورند، مورد حمله و تهاجم شیطان قرار گرفتند. ولی محیط وسوسه‌ی مسیح در این بیابان متروک و در حین چهل روز روزه هست که اجازه نداره چیزی بخوره.

وقتی آدم وسوسه شد، از نظام حمایتی یک همراه و مددکاری برخوردار بود که به طور خاص برای او طراحی شده بود که او رو تشویق کنه، حمایت کنه. عیسی به تنهایی حمله‌ی شیطان رو تحمل کرد.

به زندگی خودتون فکر کنید و اینکه وقتی تنها هستید یا وقتی کسانی رو دارید که می‌تونند از شما حمایت کنند، مقاومت شما در برابر گناه چقدر قدرتمنده. پس ما این اختلافات شدید رو بین آدم اول و آدم دوم می‌بینیم. شرایط کاملاً متفاوت.

ولی موضوع چشمگیر برای من که نمی‌خوام فراموشش کنیم، نقطه‌ی تشابه هست، نقطه‌ی شباهت بین وسوسه‌ی آدم و وسوسه‌ی عیسی. وقتی آدم و حوا در آزمایش بودند، یادمونه که مار با یک سؤال به سراغ حوا اومد و سؤال این بود: «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه‌ی درختان باغ نخورید؟»

خُب، البته که خدا این رو نگفته بود، و در ابتدا، همونطور که قبلاً گفتیم، حوا برای فرشتگان جنگید و این تحریف مار رو رد کرد و گفت: "نه، خدا این رو نگفت." او گفت می‌تونیم آزادانه از همه‌ی درختان باغ بخوریم" و الی آخر. اما نکته‌ای که می‌خوام به یاد داشته باشید، نقطه‌ی حمله‌ی شیطان به والدین اولیه‌ی ما، نقطه‌ی بیان سؤالاتی درباره‌ی حقانیت، اشتیاق و قابل اعتماد بودن کلام خداست. این نقطه‌ی حمله بود.

و وقتی از قرن‌ها عبور کرده و ملاقات مجدد مار رو با آدم جدید می‌بینیم، نقطه‌ی حمله، دقیقاً به همون موضوعه. شیطان چطوری وسوسه رو آغاز کرد؟ او با یک سؤال به سراغ عیسی میاد، سؤالی که کمی پوشیده هست. ما این کلمات رو در باب چهارم لوقا می‌خونیم: "و ابلیس بدو گفت: «اگر پسر خدا هستی، این سنگ را بگو تا نان گردد.»"

حالا ما معمولاً عادت کردیم که فکر کنیم نیروی این وسوسه، صرفاً مربوط به گرسنگی طبیعی و جسمانی عیسی هست و شیطان سعی می‌کنه کاری کنه که او روزه‌اش رو بشکنه، صبحانه بخوره؛ این معنی کلمه‌ی "صبحانه یا

شکستن روزه" هست، یعنی از قدرتش سوء استفاده کنه، از امتیازش به عنوان پسر- خدا سوء استفاده کنه و سنگ‌ها رو به نان تبدیل کنه که درد شدید گرسنگی‌اش رو برطرف کنه.

اما اینجا چیز خیلی مهم‌تری اتفاق می‌فته. توجه کنید که وسوسه چطوری بیان شده: "اگر پسر- خدا هستی." خُب، این کلمه رو میشه "چون" ترجمه کرد، اما به نظرم، مترجم‌ها به درستی قدرت این بیانیه رو درک نکردند و اون رو "اگر" ترجمه کردند، چون معلومه که شیطان اینجا این سؤال رو مطرح می‌کنه: "آیا تو واقعاً پسر خدایی؟ و اگه واقعاً پسر- خدایی، پس این سنگ‌ها رو به نان تبدیل کن؛ تو هیچ مشکلی نداری." آخرین کلماتی که می‌دونیم عیسی قبل از رفتن به اون مکان متروک، با گوش‌های انسانی شنید، چی بود؟ یادتونه؟ "این است پسر- حبیب من".

خدا اعلان کرد و با کلامش، عیسی رو به عنوان پسرش اعلام کرد. و حالا اولین حمله بر اصالت او و مأموریتش، حمله بر اعتماد و ایمان و اطمینان عیسی به کلام خداست. "مطمئنی؟" و منظورم این پیشنهاده: "اگه تو کلمه‌ای، اگه تو پسر- خدایی، در چنین جایی چی کار می‌کنی؟ چرا گرسنه‌ای؟ چرا تنهایی؟ چرا در چنین محرومیتی هستی؟ آیا خدا راه دیگه‌ای برای برخورد با پسرش نداشت؟ قطعاً تو پسر خدا نیستی."

حالا برای من جالبه که عیسی ارزش این سؤال رو درک می‌کنه، که می‌تونیم این رو از جوابش بفهمیم. "عیسی در جواب وی گفت: «مکتوب است که انسان به نان فقط زیست نمی‌کند.» حالا فرض کنید او اینجا مکث می‌کرد و می‌گفت: "نه، من نمی‌تونم این سنگ‌ها رو به نان تبدیل کنم، چون من روزه گرفتم، و اگرچه کاملاً مشروع هست که در موقعیت‌های طبیعی صبحانه بخوریم، اما وقتی در وسط چنین آزمونی هستیم، اجازه‌ی چنین کاری رو نداریم، پس از نظر من هیچ اشکالی نداره.

من می‌تونم در این روزها بدون تغذیه‌ی جسمانی زنده بمونم، اگه این کاری هست که خدا از من می‌خواود. به هر حال، شیطان، انسان فقط با نان زندگی نمی‌کنه." اما بعد در ادامه این جمله رو تموم می‌کنه: "بلکه به هر کلمه‌ی خدا."

انگار عیسی میگه: "من آدم جدید هستم. آدم اول مدت زیادی با کلام خدا زندگی نکرد، اما مأموریت من، کار من اینه که سرنوشت و هدف اصلی نسل بشر- رو به تحقق برسونم و بر اساس هر کلامی که از دهان خدا میاد، زندگی کنم، و این رو همیشه با نان مقایسه کرد؟" پس عیسی در پاسخ به این سؤال شیطان، به اطاعت از کلام خدا تمرکز می‌کنه.

حالا باید این رو درک کنیم، چون امیدوارم این دروس "از خاک تا جلال" صرفاً بررسی کتاب مقدس بر حسب علاقه‌ی معمول به اسناد تاریخی برای ما نباشه. من معتقدم مطالبی که اینجا به اونها می‌پردازیم، چیزی کمتر از کلام مکتوب خدا نیست، و از ما خواسته شده و ملزم شدیم که نه تنها اون رو بدونیم، بلکه با اون زندگی کنیم، با هر کلامی که از خدا به ما میرسه.

"پس ابلیس او را به کوهی بلند برده، تمامی ممالک جهان را در لحظه‌ای بدو نشان داد. و ابلیس بدو گفت: «جمیع این قدرت و حشمت آنها را به تو می‌دهم، زیرا که به من سپرده شده است و به هر که می‌خواهم می‌بخشم. پس اگر تو پیش من سجده کنی، همه از آن تو خواهد شد.»

عیسی در جواب او گفت: «ای شیطان، مکتوب است، خداوند خدای خود را پرستش کن و غیر او را عبادت منما.» انگار شیطان میگه: "ببین، اگه تو پسر- خدایی، چرا باید عذاب بکشی تا پادشاه بشی؟ چرا باید فروتن بشی تا برافراشته شدن رو تجربه کنی؟ من می‌تونم بدون درد، رنج، فروتنی و بدون اینکه خادم رنج‌دیده‌ی خدا بشی، این رو به تو بدم.

من مسئول تمام پادشاهی‌های این دنیا هستم. می‌تونم بلافاصله تو رو برای تاجگذاری بلند کنم، تازه تو مجبور نیستی برای همیشه از من اطاعت و بندگی کنی؛ تنها چیزی که لازمه، فقط اینجا کمی سجده کن، فقط یک

لحظه زانوهات رو خم کن، و من همه‌ی اینها رو به تو می‌دم. و بعد صلیب نیست، "وی یا دولوروسا" نیست، و مجبور نیستی در راه اورشلیم متحمل زحمت بشی."

یادتونه، بعداً در اعتراف قیصریه‌ی فیلیپی، بعد از اینکه عیسی از شاگردانش پرسید: "مردم مرا که می‌دانند؟" و پطرس اعتراف کرد: "تویی مسیح، پسر- خدای زنده" و عیسی گفت: "تویی پطرس، تو صخره‌ای و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم."

و چند دقیقه بعد، عیسی به او میگه باید به اورشلیم بره و رنج بکشه و بمیره، و پطرس میگه: "امکان نداره." عیسی برمی‌گرده و میگه: "دور شو از من ای شیطان"، چون اینجا دوباره پیشنهاد ملکوت بدون رنج میاد. اما اینجا موضوع مهم در جواب عیسی اینه که گفت: "مکتوب است."

در دو وسوسه‌ی اول، در هر دو مورد، او با نقل قول از کلام خدا در برابر پیشنهادات شیطان می‌ایسته، چون عبارت "مکتوب است" در کتاب مقدس، صرفاً یک اصطلاح تخصصی هست؛ اصطلاحی که هر یهودی درک می‌کرد که یعنی "کتاب مقدس میگه". این فقط بر روی کاغذ پوستی، در یک جایی در گزیده‌های ادبی نوشته نشده. "مکتوب است"، یعنی در کتاب مقدس نوشته شده.

پس شیطان؛ یا عیسی به شیطان میگه: "شیطان، من نمی‌تونم این کار رو بکنم. همونطور که گفتم، من باید با هر کلمه‌ای که از دهان خدا میاد، زندگی کنم، و کلام خدا میگه نباید غیر از خدا، کسی رو خدمت یا پرستش کنیم. تو خدا نیستی، پس من نمی‌تونم این کار رو بکنم."

حالا شیطان کلافه میشه، و ما به وسوسه‌ی سوم نگاه می‌کنیم: "پس او را به اورشلیم برده، بر کنگره هیکل قرار داد و بدو گفت: «اگر پسر- خدا هستی، خود را از اینجا به زیر انداز. زیرا مکتوب است که فرشتگان خود را درباره‌ی تو حکم فرمایند تا تو را محافظت کنند. و تو را به دست‌های خود بردارند، مبادا پایت به سنگی خورد.»

آه، شیطان زیرک‌تر از همه‌ی وحوش زمین هست. عیسی دوست داره از کتاب مقدس نقل قول کنه؛ عیسی دوست داره با توسل به کتاب مقدس، ادعاش رو مطرح کنه. شیطان، کتاب مقدس رو می‌شناسه؛ شیطان خسته شده از اینکه بشنوه عیسی میگه: "مکتوب است، مکتوب است". شیطان میگه: "من می‌دونم کتاب مقدس چی میگه: مکتوب است."

کتاب مقدس میگه او به فرشتگانش فرمان میده که از تو محافظت کنند تا پای تو به سنگ نخوره، پس بیا ببینیم کلام خدا درسته یا نه. بیا ببینیم چیزی که اینجا میگه "مکتوب است"، واقعاً اتفاق می‌فته. بگذار تو رو از کنگره‌ی هیکل پرت کنم و منتظر بشیم فرشته‌ها تو رو بگیرند.

بگذار ببینیم کتاب مقدس درسته. "حالا عیسی میگه: "اما شیطان، نه تنها ما باید به ماهیت اقتدار کتاب مقدس ایمان داشته باشیم، بلکه باید تفسیر صحیحش، قوانین تفسیر کتاب مقدس، و قوانین اولیه و اساسی تفسیر کتاب مقدس رو هم درک کنیم، اینکه کتاب مقدس، کتاب مقدس رو تفسیر می‌کنه، و هرگز نباید یک بخش از کتاب مقدس رو در مقابل بخش دیگه بذارید، و چیزی که تو به من دادی، فقط بخشی از کلام کتاب مقدسه."

بله، کتاب مقدس میگه به فرشته‌ها فرمان داده میشه، اونها از من مراقبت می‌کنند و همه‌ی اینها، اما کتاب مقدس این رو هم میگه: "خداوند خدای خود را تجربه مکن؛ خداوند خود را آزمایش مکن." و اگه من از بالای این معبد بپریم، خدا رو آزمایش می‌کنم و اجازه ندارم این کار رو بکنم. راستش، شیطان، من باید بدون اینکه بپریم، اعتماد کنم که خدا در واقع، به کلامش عمل می‌کنه."

"چون ابلیس جمیع تجربه را به اتمام رسانید، تا مدتی از او جدا شد." عیسی پیروزه، و یکی از چیزهای بسیار شگفت‌انگیز درباره‌ی این داستان، اینه که بعد از اینکه عیسی در برابر همه‌ی این وسوسه‌های شیطان می‌ایسته و شیطان ترکش می‌کنه، اولین اتفاقی که می‌فته، اینه که فرشتگان خدا ظاهر میشن و او رو خدمت می‌کنند، به

این ترتیب، خدا کلامش رو اثبات می‌کنه. فرشتگان در تمام مدت، اونجا بودند. عیسی مجبور نبود از بالای معبد بپره. وقتی فرشته‌ها اومدند و به او خدمت کردند، کلام خدا انجام شد.